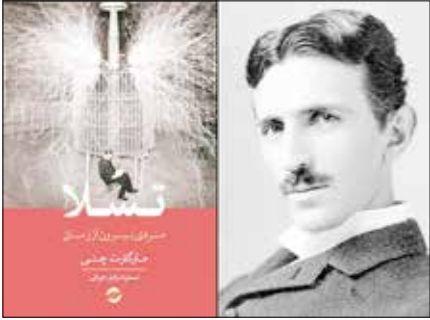




دوشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۱ - شماره ۳۴۵۲

این شماره به مناسبت روز جهانی کتاب و روز جهانی مکتب‌داری منتشر شده است.

کتاب «تسلا (مردی بیرون از زمان)» نوشته مارگارت چنی به‌تازگی با ترجمه مسعود مرادی چورابی توسط انتشارات معین منتشر و راهی بازار نشر شده است. نسخه اصلی این کتاب سال ۱۹۸۱ منتشر شده است.این‌کتاب دربرگیرنده زندگینامه نیکلا تسلا دانشمند و مخترع صرب_آمریکایی است که روی الکتریسیته کار می‌کرد و به نتایج پیشرو و جالبی رسید. نویسنده

کتاب پیش‌رو از این‌که دستاوردها و اختراعات تسلا به‌عنوان یک‌نابغه قرن نوزدهمی، مغفول واقع شده و نادیده گرفته می‌شود، اظهار تعجب کرده و می‌گوید اگرچه کارهای نیکلا تسلا گاهی ربوده و یا فراموش شده و پرداخت و جلا دادن ندارند. مارگارت چنی گفته حالا که جهان دیدگاه ها و تصورات تسلا را دریافته است گویی

نوشته مارگارت چنی؛

کتاب زندگینامه داستانی نیکلا تسلا منتشر شد

او با خود لبخند می‌زند، زیرا زمانی خردمندانه گفته بود: «مرد دانشمند برای نتیجه فوری هدف گذاری نمی‌کند، او انتظار ندارد نظریه‌های پیشرویش به آسانی دریافته شود. کار او مانند کشاورز برای آینده است.» کتاب «تسلا (مردی بیرون از زمان)» در قالب داستانی، زندگی تسلا را روایت می‌کند.

این کتاب با ۳۹۵ صفحه و قیمت ۱۲۷ هزار تومان منتشر شده است.

این شماره به مناسبت روز جهانی کتاب و روز جهانی مکتب‌داری منتشر شده است.

توضیحات سازنده سرود ملی ایران درباره شباهت آن با سرود ملی کره جنوبی



و توضیح داد: جوان های ما از موسیقی ملی شان دور شده اند. در دنیا هم این اتفاق افتاده است که جوان ها به سمت موسیقی الکترونیک رفته اند. من هم شخصا اپرادی نمی گیرم. موسیقی خیر را داریم، بعد به اوج می رسد و پایان می یابد. از سرود فعلی خیلی راضی هستم.

ریاحی با بیان این که سرود فرم خاصی دارد توضیح داد: اکثر سرودها را که می بینید در یک جاهایی از آن فرم باید رعایت شود. ممکن است چند جا فرم نزدیک باشد. من تمام سرودها را گوش کرده بودم. سرود کره جنوبی را آن زمان به صورت اتفاقی شنیده بودم. ولی دقت نکردم. اعتقاد دارم همه سرودهای ملی

در همه جای دنیا شبیه به هم هستند. فقط چهار نت از این سرود و یکی دو جای آن شبیه هم شده است. پرچم هفت هشت کشور نیز به پرچم ایران شباهت دارد. البته آرم وسط پرچم ایران متفاوت است.

جوان های ما از موسیقی ملی شان دور شده‌اند

وی بزرگترین مشکل موسیقی کشور را مساله تکنولوژی دانست

آهنگساز و سازنده سرود ملی ایران در سالگرد سی‌سالگی این سرود درباره شباهت آن با سرود ملی کره جنوبی توضیح داد و گفت: سرود ملی فرم خاصی دارد که باید رعایت شود. ممکن است یک جاهایی از سرود کشورهای مختلف به هم شبیه باشند. در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران که کشورمان هویتی جدید پیدا کرد، عناصر هویتی قبلی همچون پرچم، سرود ملی و ... حذف و نمادها و نشانه‌های تازه جایگزین شد. سرود پاینده بادا ایران که با مطلع شد جمهوری اسلامی به پا آغاز می‌شد در سال ۱۳۵۷ ساخته و شنیده شد. سپس در شب سوم خردادماه ۱۳۷۱سرود دیگری با عنوان مهر خاوران جای سرود ملی قبلی را گرفت و تثبیت شد.

حسن ریاحی، در سی‌الگی این سرود در گفت و گو با خبرنگار فرهنگی ایرنا، خاطرات گذشته را وری زد و از گذشته و حواشی این سرود گفت.

شعر را بعدها سرودند

وی با یادآوری این نکته که سی سال از زمان ساخت این سرود می‌گذرد توضیح داد: آن زمان اعلام کردند سرود ملی به دلایلی باید تعویض شود. از هنرمندان دعوت کردند تا آثارشان را ارائه دهند. حدود ۹۷ اثر شرکت کردند که مدارکش موجود است. آثار این ۹۷ نفر بررسی و ۳۷ اثر انتخاب شد. شرکت کنندگان از قشرهای مختلف بودند. مرحوم پایور هم شرکت کرده بود. در مرحله سوم ده اثر انتخاب شد. قرار شد این ده اثر اجرا و ضبط شود. یکی دو ماه این مرحله طول کشید. در مرحله آخر سه اثر را به دفتر مقام معظم رهبری فرستادند. ایشان تصمیم گرفتند که سرود فعلی انتخاب شود.

ریاحی با بیان این که شعر این سرود را بعدها شعرای سازمان صداوسیما سرودند تأکید کرد: سرودها بدون کلام ساخته شدند. زمانی که ما سرود را ساختیم نمی‌دانستیم چه شعری قرار است روی آن بنشیند. شعر را تیم شعرای صداوسیما سرودند. هفت شاعر بودند که دو نفرشان الان مرحوم شدند.

همه سرودهای ملی در همه جای دنیا شبیه به هم هستند
این آهنگساز پیشکسوت با مقایسه سرود قبلی و فعلی بیان کرد: یکی از مشکلات سرود قبلی زمان طولانی آن بود که حدود ۴ دقیقه طول می کشید. سرود فعلی ۵۹ ثانیه زمان دارد. بقیه سرودهایی که در رقابت شرکت کردند نیز بیشتر از یک دقیقه زمان داشتند. سرود در مراسم رسمی خوانده می شود و



صدای فرش را شنیده‌اید؟!



حمید قنبری -نوازنده سازهای کوبه‌ای و آهنگساز - به تازگی به بهانه روز ملی فرش و با بهره‌گیری از صداهای طبیعی موجود در هنر فرش‌بافی یک اثر تصویری موسیقایی به نام «قشش دل» ساخته است.

او هزمان با هفته صنایع دستی درباره‌ی ساخت این اثر می‌گوید: پیشتر پروژه‌ای را در وزارت فرهنگ و ارشاد به مفهوم تولید موسیقی با استفاده از صداهای غیرموسیقایی که در هنر خلقی قابل بسط و گسترش است، ثبت کردم. با استفاده از مفهوم این پروژه اقدام به ساخت اثر «قشش دل» کردم که برای ساخت آن از المان‌هایی چون: صدای شانه، برش نخ‌ها و نقشه‌خوانی که موسیقی کار محسوب می‌شود و در مناطق مختلف با لهجه‌ها، شعرها و نواهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد، بهره بردم.

این هنرمند دامه داد: در مرحله بعد آنچه ساخته شده بود را بر اساس شرایط امروز و هنر فرش بافی، متناسب با شعری از استاد محمدعلی بهمنی که می‌گوید: «خوش نقش‌تر از فرش دلم بافته‌ای نیست/ از



بس که گره زد به گره حوصله‌ها را»، دیدیم که مجید حسین‌خوانی این شعر را روی کار خواند. علاوه بر ایده‌های موسیقایی کار، ایده تصویری هم از خودم بود که آریا شعاریان برای فیلم‌برداری در گالری فرش رسام عرب‌زاده مرا همراهی کرد.

همچنین از این هنرمند سوال کردم که ساخت چنین آثاری با مشارکت هنر از دو حوزه مختلف چقدر می‌تواند به بیشتر دیده شدن آنها کمک کند؟ گفت: دیدگاه من این است که همه هنرها یک زیرساخت مشترک دارند و ساخت چنین آثاری در احیای این هنرها برای نسل آینده و اتحاد حوزه‌های مختلف هنری حائز اهمیت است.

او در راستای مسئله زیرساخت مشترک هنرها، به پروژه اخیر خود اشاره کرد و گفت: در این ویدئو نقاط مشترک بین موسیقی و هنر فرش‌بافی را پیدا کردم و با در نظر گرفتن ترجمه‌ی موسیقی به صدا و مورد قبول بودن صداهایی که در فرش‌بافی تولید می‌شود، نقاط مشترک این دو هنر را تعریف کردم.

قنبری ادامه داد: بعد از پیدا کردن نقاط مشترک فرش‌بافی و موسیقی، به کمک هنر تصویر این صداها را در فیلم، کنار هم قرار دادیم؛ به عین حال که در تصاویر، هنر و تکنیک فرش‌بافی دیده می‌شود که شاید همه شانس دیدن آن را نداشته باشند.

او همچنین به کمیاب بودن کارگاه‌های تولید فرش دست‌بافت در تهران پرداخت و گفت: از آنجا که قصد داشتم درباره فرش دست‌بافت کار کنم، پس از مدتی جست‌وجو متوجه شدم که چقدر پیدا کردن حتی یک دار قالی در تهران دشوار و چقدر این هنر کمیاب شده است و جای آن را تولید فرش ماشینی گرفته است. تا حدی که به من گفتند اگر می‌خواهم هنر اصیل فرش‌بافی را ببینم و از صداهایش استفاده کنم باید به قم، کاشان و تبریز بروم.

دست نویسنده‌ها بسته است



با اصلا نیست، اگر هم باشد بیشتر پیام‌های اخلاقی و یا احساساتی است. در واقع دست نویسنده ایرانی بسته است، ما بیشتر روی مسائل اخلاقی و احساساتی تأکید داریم. حتی در کتاب‌هایمان بچه‌ها را تا مرز عشق هم می‌بریم اما نمی‌توانیم وارد موقله عشق شویم. صبدان نویسندehای داخلی نسبت به نویسنده‌های خارجی خیلی کوچک است. آن‌ها کتاب‌های ترسناک چند جلدی می‌نویسند اما در ایران کمتر این اتفاق می‌افتد.

نویسنده «چهل دروغ»، «گرگ آوازخوان» و «جاده بی‌انتها» درباره خشوستی که در برخی از کتاب‌های ژانر وحشت وجود دارد، گفت: با ادبیات ترسناک موافق هستم اما با بیان خشونت برای بچه‌ها مخالفم. در زمان کودکی، برای نوشتن مشق‌هایمان هرشب در خانه یکی از دوستانمان جمع می‌شدیم و به نوبت هرکس داستان یا افسانه ترسناک تعریف می‌کرد و هر کس که می‌توانست داستان را ترسناک‌تر تعریف کند، بچه‌ها او را بیشتر دوست داشتند با او ارتباط برقرار می‌کردند.

عبدالصالح پاک با بیان این‌که در قصه‌های ما ترس کمتر است، می‌گوید: دست نویسنده ایرانی بسته است و ما بیشتر روی مسائل اخلاقی و عاطفی و احساساتی تأکید داریم.

این نویسنده ادبیات کودک و نوجوان درباره گرایش کودکان به ژانر وحشت با توجه به کلیدواژه‌هایی مانند هیجان‌انگیز، ترسناک و وحشتناک که در عنوان بسیاری از کتاب‌های منتشرشده برای نوجوانان دیده می‌شود، اظهار کرد: ترس لازمه زندگی انسان است و انسان باید ترس را در سنین مختلف تجربه کند. امروزه ما خیلی از بچه‌ها محافظت می‌کنیم، این‌ها را زیاد از خانه بیرون نمی‌فرستیم و دوست داریم در خانه باشند و به درس و مشق‌شان برسند. در زمان کودکی‌ام در روستا زندگی می‌کردیم، شب‌ها با دوستانمان قایم‌باشک بازی می‌کردیم، چهار نفر مخفی می‌شدند و دو نفر هم پی‌شان می‌رفتند تا آن‌ها پیدا کنند، در کتاب‌های جاهایی می‌رفتم که ممکن بود آن شخص رفته بود اما یکدفعه سگی در مقابل ما قرار می‌گرفت و می‌ترسیدیم. اما امروزه بچه‌ها این ترس‌ها را تجربه نمی‌کنند پس بهتر است این ترس‌ها را در کتاب‌ها و فیلم‌ها ببینند و تجربه کنند.

او سپس با اشاره به کتاب‌های منتشر شده در ژانر وحشت، گفت: کتاب‌های وحشتی که بچه‌ها دارند، می‌خواند ریشه در ادبیات ما ندارد ما خون‌آشام نداریم یا مثلاً کتاب‌های «دارن» شاین محتوایی دارند که در فرهنگ ما نیست، ما افسانه‌ها، غول‌ها و دیوها را داریم. این کتاب‌های وحشت اکثراً ترجمه هستند. البته تبلیغات این نوع کتاب‌ها، نوع و شکل چاپشان هم در جذب بچه‌ها بی‌تأثیر نیست.

عبدالصالح پاک خاطر نشان کرد: در قصه‌های ما ترس کمتر است

این شماره به مناسبت روز جهانی کتاب و روز جهانی مکتب‌داری منتشر شده است.

این شماره به مناسبت روز جهانی کتاب و روز جهانی مکتب‌داری منتشر شده است.

«خودنویس» حر کتی است که به قله قاف خواهد رسید

منتشر خواهد شد. همچنین سعی داریم ۲۰ م‌ان از کسانی که در سوسمین دوره مسابقه خودنویس شرکت کرده اند، تا پایان سال منتشر کنیم.

صفایی نژاد گفت: هرچند مشکلات مالی داشتیم

و این مشکلات مالی سبب کمبود تبلیغات و چهره سازی برگزیدگان مسابقه خودنویس شد، اما سعی

داریم مشکلات را حل کنیم و راهبردمان استفاده

از قدرت مردم است. همچنین برنامه ریزی خواهیم

کرد تا با استفاده از بازاریابی اجتماعی مردمی،

برگزیدگان تبدیل به چهره‌های مطرح شوند.

وی ادامه داد: سعی خواهیم داشت تا کمتر شمار

دهیم و بیشتر کار کنیم. همچنین ما بخش دوم

مسابقه خودنویس را در سال گذشته فعال کردیم

به این معنا که در کنار کشف و پرورش استعداد

داستان نویسی، کار کشف و پرورش استعدادهای

ویراستاری را آغاز کردیم که بر این اساس هشت

ویراستار جدید کشف و پرورش شدند و البته یکی

از این هشت نفر ویراستارانی، سال گذشته، در زمان

نوشتن اند. شاید در مقطعی زمان نوشتن یک روژیا

بود. من در سن ۳۵ سالگی رمانم را نوشتم و حتی

اولی رمان زندگی ام را از ۲۵ سالگی آغاز کردم.

وی در پایان گفت: از آنجا که محمدرضا شرفی

خوششان مسئولیت بخش داستان و روایت نشر

صاد را برعهده داشت، از این پس او مسئول بخش

داستان و روایت خواهد شد. همچنین سعی داریم ۲۰ م‌ان

از کسانی که در سوسمین دوره مسابقه خودنویس

شرکت کرده اند، تا پایان سال منتشر کنیم.

صفایی نژاد گفت: هرچند مشکلات مالی داشتیم

و این مشکلات مالی سبب کمبود تبلیغات و چهره

سازی برگزیدگان مسابقه خودنویس شد، اما سعی

داریم مشکلات را حل کنیم و راهبردمان استفاده

از قدرت مردم است. همچنین برنامه ریزی خواهیم

کرد تا با استفاده از بازاریابی اجتماعی مردمی،

برگزیدگان تبدیل به چهره‌های مطرح شوند.

وی ادامه داد: سعی خواهیم داشت تا کمتر شمار

دهیم و بیشتر کار کنیم. همچنین ما بخش دوم

مسابقه خودنویس را در سال گذشته فعال کردیم

به این معنا که در کنار کشف و پرورش استعداد

داستان نویسی، کار کشف و پرورش استعدادهای

ویراستاری را آغاز کردیم که بر این اساس هشت

ویراستار جدید کشف و پرورش شدند و البته یکی

از این هشت نفر ویراستارانی، سال گذشته، در زمان

نوشتن اند. شاید در مقطعی زمان نوشتن یک روژیا

بود. من در سن ۳۵ سالگی رمانم را نوشتم و حتی

اولی رمان زندگی ام را از ۲۵ سالگی آغاز کردم.

وی در پایان گفت: از آنجا که محمدرضا شرفی

خوششان مسئولیت بخش داستان و روایت نشر

صاد را برعهده داشت، از این پس او مسئول بخش

داستان و روایت خواهد شد. همچنین سعی داریم ۲۰ م‌ان

از کسانی که در سوسمین دوره مسابقه خودنویس

شرکت کرده اند، تا پایان سال منتشر کنیم.

صفایی نژاد گفت: هرچند مشکلات مالی داشتیم

و این مشکلات مالی سبب کمبود تبلیغات و چهره

سازی برگزیدگان مسابقه خودنویس شد، اما سعی

داریم مشکلات را حل کنیم و راهبردمان استفاده

از قدرت مردم است. همچنین برنامه ریزی خواهیم

کرد تا با استفاده از بازاریابی اجتماعی مردمی،

برگزیدگان تبدیل به چهره‌های مطرح شوند.

وی ادامه داد: سعی خواهیم داشت تا کمتر شمار

دهیم و بیشتر کار کنیم. همچنین ما بخش دوم

مسابقه خودنویس را در سال گذشته فعال کردیم

به این معنا که در کنار کشف و پرورش استعداد

داستان نویسی، کار کشف و پرورش استعدادهای

ویراستاری را آغاز کردیم که بر این اساس هشت

ویراستار جدید کشف و پرورش شدند و البته یکی

از این هشت نفر ویراستارانی، سال گذشته، در زمان

نوشتن اند. شاید در مقطعی زمان نوشتن یک روژیا

بود. من در سن ۳۵ سالگی رمانم را نوشتم و حتی

اولی رمان زندگی ام را از ۲۵ سالگی آغاز کردم.

وی در پایان گفت: از آنجا که محمدرضا شرفی

خوششان مسئولیت بخش داستان و روایت نشر

صاد را برعهده داشت، از این پس او مسئول بخش

داستان و روایت خواهد شد. همچنین سعی داریم ۲۰ م‌ان

از کسانی که در سوسمین دوره مسابقه خودنویس

شرکت کرده اند، تا پایان سال منتشر کنیم.

صفایی نژاد گفت: هرچند مشکلات مالی داشتیم

و این مشکلات مالی سبب کمبود تبلیغات و چهره

سازی برگزیدگان مسابقه خودنویس شد، اما سعی

داریم مشکلات را حل کنیم و راهبردمان استفاده

از قدرت مردم است. همچنین برنامه ریزی خواهیم

کرد تا با استفاده از بازاریابی اجتماعی مردمی،

برگزیدگان تبدیل به چهره‌های مطرح شوند.

وی ادامه داد: سعی خواهیم داشت تا کمتر شمار

دهیم و بیشتر کار کنیم. همچنین ما بخش دوم

مسابقه خودنویس را در سال گذشته فعال کردیم

به این معنا که در کنار کشف و پرورش استعداد

داستان نویسی، کار کشف و پرورش استعدادهای

ویراستاری را آغاز کردیم که بر این اساس هشت

ویراستار جدید کشف و پرورش شدند و البته یکی

از این هشت نفر ویراستارانی، سال گذشته، در زمان

نوشتن اند. شاید در مقطعی زمان نوشتن یک روژیا

بود. من در سن ۳۵ سالگی رمانم را نوشتم و حتی

اولی رمان زندگی ام را از ۲۵ سالگی آغاز کردم.

وی در پایان گفت: از آنجا که محمدرضا شرفی

خوششان مسئولیت بخش داستان و روایت نشر

صاد را برعهده داشت، از این پس او مسئول بخش

داستان و روایت خواهد شد. همچنین سعی داریم ۲۰ م‌ان

از کسانی که در سوسمین دوره مسابقه خودنویس

شرکت کرده اند، تا پایان سال منتشر کنیم.

صفایی نژاد گفت: هرچند مشکلات مالی داشتیم

و این مشکلات مالی سبب کمبود تبلیغات و چهره

سازی برگزیدگان مسابقه خودنویس شد، اما سعی

داریم مشکلات را حل کنیم و راهبردمان استفاده

از قدرت مردم است. همچنین برنامه ریزی خواهیم

کرد تا با استفاده از بازاریابی اجتماعی مردمی،

برگزیدگان تبدیل به چهره‌های مطرح شوند.

وی ادامه داد: سعی خواهیم داشت تا کمتر شمار

دهیم و بیشتر کار کنیم. همچنین ما بخش دوم

مسابقه خودنویس را در سال گذشته فعال کردیم

به این معنا که در کنار کشف و پرورش استعداد

داستان نویسی، کار کشف و پرورش استعدادهای

ویراستاری را آغاز کردیم که بر این اساس هشت

ویراستار جدید کشف و پرورش شدند و البته یکی

از این هشت نفر ویراستارانی، سال گذشته، در زمان

نوشتن اند. شاید در مقطعی زمان نوشتن یک روژیا

بود. من در سن ۳۵ سالگی رمانم را نوشتم و حتی

اولی رمان زندگی ام را از ۲۵ سالگی آغاز کردم.

وی در پایان گفت: از آنجا که محمدرضا شرفی

خوششان مسئولیت بخش داستان و روایت نشر

صاد را برعهده داشت، از این پس او مسئول بخش

داستان و روایت خواهد شد. همچنین سعی داریم ۲۰ م‌ان

از کسانی که در سوسمین دوره مسابقه خودنویس

شرکت کرده اند، تا پایان سال منتشر کنیم.

صفایی نژاد گفت: هرچند مشکلات مالی داشتیم

و این مشکلات مالی سبب کمبود تبلیغات و چهره

سازی برگزیدگان مسابقه خودنویس شد، اما سعی

داریم مشکلات را حل کنیم و راهبردمان استفاده

از قدرت مردم است. همچنین برنامه ریزی خواهیم

کرد تا با استفاده از بازاریابی اجتماعی مردمی،

برگزیدگان تبدیل به چهره‌های مطرح شوند.

وی ادامه داد: سعی خواهیم داشت تا کمتر شمار

دهیم و بیشتر کار کنیم. همچنین ما بخش دوم

مسابقه خودنویس را در سال گذشته فعال کردیم

به این معنا که در کنار کشف و پرورش استعداد

داستان نویسی، کار کشف و پرورش استعدادهای

ویراستاری را آغاز کردیم که بر این اساس هشت

ویراستار جدید کشف و پرورش شدند و البته یکی

از این هشت نفر ویراستارانی، سال گذشته، در زمان

نوشتن اند. شاید در مقطعی زمان نوشتن یک روژیا

بود. من در سن ۳۵ سالگی رمانم را نوشتم و حتی

اولی رمان زندگی ام را از ۲۵ سالگی آغاز کردم.

وی در پایان گفت: از آنجا که محمدرضا شرفی

خوششان مسئولیت بخش داستان و روایت نشر

صاد را برعهده داشت، از این پس او مسئول بخش

داستان و روایت خواهد شد. همچنین سعی داریم ۲۰ م‌ان

از کسانی که در سوسمین دوره مسابقه خودنویس

شرکت کرده اند، تا پایان سال منتشر کنیم.

صفایی نژاد گفت: هرچند مشکلات مالی داشتیم

و این مشکلات مالی سبب کمبود تبلیغات و چهره

سازی برگزیدگان مسابقه خودنویس شد، اما سعی

داریم مشکلات را حل کنیم و راهبردمان استفاده

از قدرت مردم است. همچنین برنامه ریزی خواهیم

کرد تا با استفاده از بازاریابی اجتماعی مردمی،

برگزیدگان تبدیل به چهره‌های مطرح شوند.

وی ادامه داد: سعی خواهیم داشت تا کمتر شمار

دهیم و بیشتر کار کنیم. همچنین ما بخش دوم